



محمد توسلی غرجستانی

عدالت اجتماعی و انکشاف متوازن از دیدگاه شهید وحدت ملی استاد مزاری

در برهه‌ی زمانی زیست کوتاه سیاسی رهبر شهید استاد مزاری و به یادگار ماندن کارنامه‌ی درخشانی از ایشان در حوزه‌ی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، توجه به مسائل و برنامه‌های اقتصادی و زیربنایی و بحث عدالت و برابری تحت‌الشعاع مسائل سیاسی روز قرار گرفته بود؛ اما استاد شهید مشخصاً روی عدالت اجتماعی حساسیت بالایی داشت و بر آن مقوله مکرراً تأکید می‌کرد؛ زیرا شهید وحدت ملی تعلق به کتله‌ی اجتماعی و قومی داشت که مستقیم‌ترین تلخ‌فقدان عدالت اجتماعی را به درازای عمر سیاسی افغانستان از زوایای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی لمس کرده و چشیده بود. بر بنیاد این مقوله، شهید مزاری یکی از خواسته‌های برحق مردم خود را تحقق عدالت اجتماعی برای تمام ملیت‌های ساکن در افغانستان می‌دانست.



چیستی عدالت اجتماعی

برای این که مفهوم عدالت اجتماعی که شهید مزاری به مناسبت‌های مختلف چه در سخنرانی‌ها و چه در مصاحبه‌ها و طرح‌های خود روی آن عمداً تمرکز می‌کرد، روشن شود؛ نخست عدالت اجتماعی باید روشن شود و سپس آن را از منظر شهید وحدت ملی ارزیابی خواهیم کرد. واژه «عدالت اجتماعی» که معادل واژه انگلیسی «Social Justice» است، از جمله مفاهیمی است که در فلسفه‌ی سیاسی مورد بحث قرار گرفته است. این واژه ترکیبی، بیانگر مفهوم خاصی از عدالت است که با گونه‌های دیگر آن از قبیل عدالت طبیعی، عدالت سیاسی، عدالت اقتصادی، عدالت فردی و اخلاقی، تفاوت‌هایی دارد یا این موارد به نحوی

خاص‌تر از عدالت اجتماعی است. «عدالت اجتماعی» از زمان آغاز زیست جمعی و مشترک بشر جزء آرمان‌های انسان‌ها قرار گرفت و در برهه‌های گوناگون تاریخی، توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است. برای واژه «عدالت» در منابع لغت، معنا و مفهوم گوناگونی گفته شده است؛ مثل تساوی، مساوات، درستی و حقانیت. به عنوان نمونه، راغب اصفهانی در «مفردات» می‌نویسد: عدل؛ یعنی تقسیم کردن به طور مساوی. ابن منظور نیز در «لسان‌العرب»، عدل را به درستی و حقانیت معنا کرده و آن را در برابر جور و ستم قرار داده است؛ اما واژه ترکیبی «عدالت اجتماعی» نیز به تناسب اقتضائات، شرایط و برداشتهای گوناگون، مفاهیم و معانی مختلفی از آن

”

شهید مزاری با درک فقدان
«عدالت اجتماعی» در طول تاریخ افغانستان،
مکرراً بر تحقق این مقوله به عنوان یک
خواست همگانی تأکید می‌ورزید.

“

خود این مفهوم نیز مشتمل بر عدالت سیاسی، عدالت اقتصادی و دسترسی همگانی به فرصت‌های برابر اداری و شغلی شمرده می‌شود، اشاره می‌شود:

شهید مزاری نسبت به حقوق از دست رفته مردم اشاره کرده چنین می‌گوید: «ما عاشق قیافه هیچ کسی نیستیم؛ حقوق ملت خود را می‌خواهیم. هر کس این حقوق را برای ملت ما قائل شود، ما دست او را می‌فشاریم.» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

شهید وحدت ملی نسبت به برادری و برابری شهروندان افغانستان اشاره کرده و آن را گم‌شده مردم افغانستان دانسته چنین می‌گوید: «... با ملیت تاجیک برادر هستیم، با ملیت پشتون برادر هستیم. شما هر راهی که بروید تا بین ملیت‌ها دشمنی نباشد، برادری باشد؛ ما از این مسئله استقبال می‌کنیم.» (همان: ۱۲۷). وی ضمن برشمردن چالش‌های تاریخی مردم افغانستان از لحاظ نداشتن یک حکومت ملی، نسبت به تحقق عدالت اجتماعی از طریق رعایت حقوق ملیت‌های ساکن در افغانستان و برابری آن‌ها چنین می‌گوید: «من معتقدم در این جا در طول تاریخ گذشته افغانستان، حکومت ملی و اسلامی به وجود نیامده؛... اگر ما در این جا بیاویم یک حکومت اسلامی که مردم ما می‌خواهند، به وجود آوریم که در آن، حق همه ملیت‌ها تعیین شده باشد، این باور، باور درستی می‌باشد. این جا برای شما واضح می‌گویم که در افغانستان دشمنی ملیت‌ها فاجعه بزرگی است. در افغانستان برادری ملیت‌ها مطرح است. حقوق ملیت‌ها یعنی برادری ملیت‌ها.» (همان: ۱۴۶).

شهید مزاری با درک عدم عدالت و برابری نسبت به واحدهای اداری در گذشته و ظالمانه خواندن آن نسبت به

استنباط شده است؛ بسان شایستگی و لیاقت، مساوات و برابری، انصاف، بی‌طرفی و برابری فرصت‌ها. پس می‌توان چنین بیان داشت که «عدالت اجتماعی» در مقوله حکومت‌داری یعنی توزیع امکانات و مناصب بر اساس شایستگی، لیاقت و انصاف. طبق این برداشت از عدالت اجتماعی، توزیع امکانات مادی و رفاهی و نیز توزیع مناصب و مقام‌ها و فرصت‌سازی‌ها می‌بایست بر بنیاد سه معیار و شاخص شایستگی، لیاقت و نیازمندی صورت گیرد و حکومت در این بخش خود می‌بایست بی‌طرف باشد.

عدالت اجتماعی از دیدگاه رهبر شهید

پس می‌توان گفت که اگر عدالت اجتماعی به مفهومی که توضیح داده شد، محقق شود؛ همه آن‌چه که در یک زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی لازم است، در آن نهفته خواهد بود. از این روی شهید مزاری با درک فقدان «عدالت اجتماعی» در طول تاریخ افغانستان، مکرراً بر تحقق این مقوله به عنوان یک خواست همگانی تأکید می‌ورزید؛ زیرا هنگامی که عدالت اجتماعی در یک جامعه تحقق پیدا کند، شهروندان یک کشور به طور برابر در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌توانند بر بنیاد توانایی، تخصص، شایستگی و کاردانی خود فارغ از وابستگی‌های قومی، جنسیتی و سمتی فعالیت کنند و بر این کار به سود همگان خواهد بود. از این رو شهید مزاری در موارد مختلف روی تحقق عملی مفهوم «عدالت اجتماعی» در افغانستان تأکید کرده است. واژه‌های کلیدی «حق تعیین سرنوشت»، «شعور سیاسی مردم»، «حق گرفتن»، «تثبیت حقوق همه ملیت‌ها»، «دسترسی به مناصب بر اساس نفوس»، «رعایت حقوق ملیت‌های محروم»، «آزادی و حقوق برابر برای همه»، «به رسمیت شناخته شدن مذاهب و اعتقادات مردم»، «برادری و برابری ملیت‌ها»، «برادری، نه دشمنی»، «تحقق عدالت اجتماعی از طریق انتخابات عمومی»، «تعدیل واحدهای اداری»، «رعایت حقوق زنان» و «دفاع از حقوق ملیت‌ها» در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و طرح‌های استاد شهید مزاری و حزب وحدت اسلامی که ایشان دبیرکل آن بود، به ویژه در کتاب احیای هویت (مجموعه سخنرانی‌های رهبر شهید، باب مزاری، ۱۳۸۸) و فریاد عدالت (مجموعه مصاحبه‌های شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری، ۱۳۹۶) به وفور می‌توان یافت. در ادامه به برخی از اظهارات و سخنان رهبر شهید در مورد کلید واژه‌های فوق که هستی بخش «عدالت اجتماعی» بوده و

”

شهید وحدت ملی نسبت به برادری و برابری
شهروندان افغانستان اشاره کرده و آن را
گم‌شده مردم افغانستان دانسته چنین
می‌گوید: «... با ملیت تاجیک برادر هستیم، با
ملیت پشتون برادر هستیم. شما هر راهی که
بروید تا بین ملیت‌ها دشمنی نباشد، برادری
باشد؛ ما از این مسئله استقبال می‌کنیم.»

“

وحدت مصمم است که از حقوق ملیت‌های ساکن در
افغانستان و همه افشار مردم - اعم از زن و مرد - در سیاست
آینده کشور دفاع کند... و می‌خواهد که در این جا حق
هیچ ملیتی، هیچ حزبی، هیچ قومی و نژادی ضایع نشود
و در حق کسی ظلم صورت نگیرد.» (همان: ۱۹۷).

در فرجام سخن می‌توان چنین برابری کرد که
رهبر شهید استاد مزاری با درک شرایط و اقتضای زمانه
خود و به دور از افراط و تفریط آن چه را که می‌توان به
عنوان ستون‌های ارزشی یک حکومت ملی مبتنی بر
قواعد و شاخصه‌های عدالت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی،
فرهنگی و ایجاد زمینه دسترسی برابر و متوازن شهروندان
به امکانات و فرصت‌های برابر و همگانی بر بنیاد معیارهای
شایستگی، توانمندی، تخصص و تعهد نام برد، از خود برای
نسل‌های آینده به یادگار گذاشته است.

منابع:

۱. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (۱۳۸۸). احیای
هویت: مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید عبدالعلی مزاری
(چاپ دوم)، کابل: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (سراج).

بخشی از جامعه، با ارائه راهکار مشخص در این زمینه
چنین اظهار می‌دارد: «همه می‌دانیم که در گذشته،
واحدهای اداری افغانستان عادلانه نبوده‌اند. اولاً امروز در
سطح بین‌المللی مسئله نفوس معیار و اصل پذیرفته
شده است که تمام برنامه‌های سیاسی، فرهنگی،
اقتصادی... بر مبنای آن صورت می‌گیرد... مسئله دیگر،
واحدهای اداری است؛ طبق همین سروری ناقصی که (در
سال ۱۳۵۱) صورت گرفته است، یک واحد اداری را از سه
هزار گرفته تا صد و شصت هزار نفر تشکیل کرده‌اند؛ به
این معنا اگر بنا باشد که انتخابات دایر شود، نتیجه‌اش
این می‌شود که از سه هزار نفر هم یک نماینده بیاید و از
صد و شصت هزار نفر هم یک نماینده! شما می‌بینید
که در این معیار از نگاه عدالت اجتماعی و در عرف
سیاسی، حتی در قرن هژدهم مورد قبول واقع نمی‌شد،
چه رسد به امروز که قرن بیست است.» (همان: ۱۹۰ -
۱۹۱). استاد مزاری به عنوان یک رهبر و یک سیاست‌مدار
معتدل و روشن‌اندیش در زمینه حقوق زنان در آینده
اجتماع، سیاست و اقتصاد چنین ابراز نظر می‌کند:
«مسئله دیگر که در این طرح (طرح حزب وحدت در
مورد انتخابات) گنجانیده شده است؛ رعایت حقوق همه
مردم اعم از زن و مرد و پیر و جوان است. شاید بسیاری از
تنظیم‌ها و رهبران، تا حالا نتوانسته باشند یک‌بار اعتراف
کنند که نصف این جامعه را زن‌ها تشکیل می‌دهند و
حق دارند که در تعیین حق سرنوشت آینده‌شان شرکت
کنند و تصمیم بگیرند؛ در طرح حزب وحدت این مسئله
رعایت شده است.» (همان: ۱۹۵). در نهایت و فرجام
می‌توان مانیفست شهید وحدت ملی استاد مزاری در
زمینه تحقق عدالت اجتماعی و ابعاد گسترده آن را در این
فراز از سخنان ایشان به تماشا نشست: «همان طوری که
در مقدمه صحبت‌هایم توضیح دادم، مبنای سیاست حزب
وحدت این است که همه مردم و اقوام مختلف افغانستان،
در جهاد و آزادی این کشور سهم داشته‌اند؛ باید در
تصمیم‌گیری‌های آینده‌اش هم شریک باشند. حزب